هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

شمارش آراء
کندی روند و شکایت از عدم شفافیت
ص۲

کمرنگی حضور مردم در انتخابا ت و نگرش هایی بر آن
ص۲

قوهٔ قضائیه در کرسی اتهام
ص۶

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۲۶ چهارشنبه ۶ میزان ۱۳۸۴ ۲۴ شعبان المعظم ۱۴۲۶ - 28 September 2005

احمد ضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری در شصتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویارک:

من به نمایندگی از کشورم از سه طرح جامع ملل متحد برای هزارهٔ سوم استقبال می کنم

روز ۲۱ سنبله هیأتی عالیرتبه تحت ریاست احمد ضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری اسلامی افغانستان به منظور اشتراک در شصتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل، عازم نیویارک گردید.

در جلسات مجمع عمومی موضوعاتی اساسی چون اهداف توسعهٔ کشورها، اصلاح





ساختار شورای امنیت، ایجاد شورای استحکام صلح و شورای حقوق بشر و برخی مسائل مهم دیگر مورد بحث قرار گرفت، احمد ضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری و رئیس هیأت افغانستان نیز در این مجمع به سخنرانی پرداخت. در آغاز سخنانش تأثر و تأسف دولت و مردم افغانستان را دربارهٔ فاجعهٔ توفان ایالت کاترینا و پی آمدهای زیانبار جانی و مالی آن ابراز نمود و به این مناسبت و دولت و مردم آمریکا تسلیت گفت.

سپس افزود:

این نشست مهم، فرصتی بسیار مناسب را در اختیار گذاشته است تا کشور های عضو به مطالعهٔ تجارب گذشته بپردازند و وضعیت موجود را بررسی و دورنمای آینده را طرح نمایند.

سازمان ملل متحد در طی ۶۰سال گذشته در زمینهٔ حفظ صلح و امنیت بین المللی، رشد و توسعه و همچنان ترویج حقوق بشر و حمایت از آن وسیعاً نقش داشته است.

وی در زمینهٔ نیاز به باز نگری در ساختار منشور سازمان ملل گفت:

با آن که ارزشها و اصولی که در منشور سازمان ملل متحد آمده است تا هنوز از اعتبار بلند برخوردار می باشد، ولی با پایان یافتن جنگ سرد و پدید آمدن واقعیت های جدید ژئوپولتیک و ظهور تهدید ها و چالش های تازه، نیاز به بازنگری در نقش این سازمان جهانی برجسته تر گردیده است.

من به نمایندگی از کشورم از ارائهٔ سه طرح جامع و فراگیر در رابطه به جهان با امنیت تر و مسؤولیت های مشترک، طرح هزاره و آزادی بیشتر، رشد و توسعهٔ امنیت و حقوق بشر برای همه، استقبال می کنم. ص۷

وزیر داخله استعفا می دهد

علی احمد جلالی، وزیر داخله اعلام داشته است که درنظر دارد از این سمت کناره گیری کند.

وی علت کناره گیری اش از پست وزارت داخله را پرداختن به فعالیتهای علمی اعلام کرد.

روز سه شنبه ۵ میزان، آقای جلالی در مصاحبه یی با تلویزیون طلوع گفت که "نمی خواهد دیگر به عنوان وزیر داخله کار کند" و علت این تصمیم را پرداختن به کارهای علمی و دانشگاهی وانمود کرد هرچند از وجود عوامل دیگر در اقدام به این کار انکار نکرد.

منابع وزارت داخله می گویند قرار است آقای جلالی روز چهارشنبه، با شرکت در یک نشست خبری علل کناره گیری اش را از کابینه توضیح دهد. در واکنش نسبت به پخش گزارش کناره گیری وزیر داخله، سخنگوی حامد کرزی گفت "هر فردی می تواند تا هر زمانی که بخواهد در یک سمت کار کند." او همچنان افزود که کناره گیری از مقام وزارت نمی تواند دال بر وجود اختلاف فردی آقای جلالی با مقامات بلند پایه تر دولت باشد."

معاون سخنگوی رییس جمهوری، تأیید کرده است که آقای جلالی در نظر دارد از سمت خود کناره گیری کند. شایعهٔ کناره گیری علی احمد جلالی از وزارت داخله از یک ماه پیش در مطبوعات و محافل سیاسی این کشور مطرح شد و چند بار آوازهٔ استعفای او پخش گردید اما قرار اطلاعاتی با وساطت هایی دوباره به کارش بازگشت ولی این بار به نظر می رسد



که برای آخرین بار آقای جلالی تصمیمش را در این زمینه گرفته باشد گفته می شود بین وی و آقای کرزی بر سر برخی از مسائل از جمله تعیین والیان و شیوهٔ مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر اختلاف نظر جدی وجود داشته است و این امر باعث استعفای او شده است.

علی احمد جلالی تا قبل از ورود به کارهای دولتی در افغانستان پس از سقوط رژیم طالبان در ایالات متحده اقامت داشت و سرپرستی بخش دری و پشتوی صدای آمریکا بر عهده وی بود. شاید مراد وی از بازگشت به کارهای اکادمیک کار در همین عرصه بوده باشد.

گفته می شود آقای جلالی رغبت دارد که در آینده در سمت ریاست جمهوری کشور کار کند. وی در مصاحبه اش با تلویزیون طلوع در پاسخ به این پرسش تلویحاً به این رغبت اشارت کرد.

دیورند، مرزی به روی خاک، خطی به روی کاغذ

ص۵

انتخابات پارلمانی و چند دیدگاه

۲۷ سنبلهٔ سال روان به حیث یکی از روزهای تاریخی در تاریخ معاصر افغانستان ثبت گردید.و مردم توانستند در این روز بار دیگر به پای صندوق های رأی بروند اما عدم مشارکت مردم در روند رأی دهی مسأله یی نگران کننده است. بناءً دولت و گروه های وابسته به آن و دفتر مشترک تنظیم انتخابات عامل اساسی آن را به باور خودشان کاندیداشدن جنگ سالاران برای ورود به پارلمان می دانند این مسأله از دید مردم باید بررسی گردد. به همین منظور مجاهدنضریات تنی از چند هموطنان مان را جویا شده است که اینک تقدیم تان می گردد.

سیف الله کوهستانی یک تن از شهروندان کابل می گوید: من در انتخابات ریاست جمهوری شرکت نموده بودم و به شخص مورد نظرم رأی دادم اما به زودی برایم معلوم شد که وعده های سپرده شده از سوی وی عملی نگردید. فساد اداری و رشوه ستانی در ادارات دولتی بیداد می کند و مأموران با کفایت و کار فهم و دارای سابقهٔ کاری از وظایف شان کنار زده می شوند و عوض آنها افراد کم تجربه وکسانی ه با مسؤولان امور رابطهٔ نزدیک داشته باشند، مقرر شده اند.

لذا من به این فکر شدم که پارلمان آینده نیز مانند دولت کنونی مشکلی را حل نخواهد کرد.

وی افزود: بسیاری از کسانی که در این انتخابات سهیم نشدند به این باور بودند که دستگاه دولت افراد مورد نظرش را از پیش تعیین کرده است و برگزاری انتخابات نمایشی بیش نیست.

احسان الله یک تن از دکانداران در خیرخانه مینه می گوید: در انتخابات پارلمانی شرکت نمودم و به شخص مورد نظرم رأی دادم البته رأی دادن و شرکت در انتخابات را یک مسؤولیت ملی و دینی می پنداشتم. ص۲



سیف الله کوهستانی



احسان



میرویس



فضل نبی



محمد یونس

آدرس

مجاهد

در اینترنت

Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo.com

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ صندوق پستی : ۳۲۶
شماره های تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ – ۰۲۰
Website: www.mujahid1357.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

شمارش آراء

کندی روند و شکایت از عدم شفافیت

برپایهٔ گزارش دفتر مشترک تنظیم انتخابات شمارش آراء دو روز پس از اجرای انتخابات، در روز سه شنبه ۲۹ سنبله در بسیاری از ولایات کشور از جمله کابل آغاز شد.

در طی این هشت روز، شمارش آراء به بسیار کندی صورت پذیرفته است. در کابل طبق اطلاعات بیشتر از ده در صد آراء شمرده نشده است. اگر شمارش آراء به همین روال پیش برود معنای آن این است که ما برای اعلام نتایج انتخابات باید لااقل نه هفتهٔ دیگر انتظار بکشیم.

این کندی شمارش آراء، با این همه ترتیبات زیاد و تشکیلات گستردهٔ دفتر مشترک انتخابات سؤال بر انگیز است.

شاید یکی از عوامل کندی شمارش آراء عدم دسترسی به ابزارهای عصری رأی شماری و استفاده از شیوهٔ تک شماری به وسیلهٔ دست شمرده شود که این شیوه به وقت زیاد نیاز دارد، ولی نباید از خاطر دور داشت که بسیاری از کشورهایی که از این شیوه تا هنوز استفاده می کنند و جمعیت آنها چندین برابر جمعیت افغانستان است مانند پاکستان و هندوستان، در یکی دو روز پس از انتخابات آراء را می شمارند و نتایج آن را اعلام می کنند.

افزون بر کندی شمارش آراء مواردی دیگر نیز وجود دارد که بر نگرانی برخی از کاندیداها دربارهٔ روند شمارش آراء افزوده است، از جمله عدم دسترسی کاندیداها و یا ناظران آنان در بسیاری از اوقات به حضور در محل شمارش. شمارش آراء از ساعت شش صبح تا حوالی ده شب در کابل جریان دارد، در این مدت کاندیداها و یا ناظران آنان تنها چهار ساعت در دو نوبت می توانند در محل شمارش حضور داشته باشند.

به رغم رهنمودهایی که از سوی دفتر مشترک تنظیم انتخابات منتشر شده است از حضور مستمر کاندیداها و یا ناظران آنان در محل شمارش آراء لا اقل در مرکز کابل جلوگیری می شود و مسؤولان برای این کار تعداد فراوان کاندیداها و ناظران آنان و عدم گنجایش محل شمارش آراء را دلیل می آورند، در حالی که بسیاری از کاندیداها نه ناظری در محل دارند و نه خودشان در آن جا حاضر می شوند. به هر حال این کار دفتر مشترک تنظیم انتخابات حق نظارت دایم را از کاندیداها سلب کرده است.

غیر از آنچه در بالا تذکر رفت مواردی شک بر انگیز دیگر هم گزارش شده است مانند باطل نشدن آشکارای اوراقی که سفید از صندوق ها به در می آید به گونه یی که استفاده از آنها را به سود کاندیداهایی محظور گرداند. آوازه هایی وجود دارد که از این اوراق به سود کاندیداهایی ویژه استفاده می شود و یک مورد آن در مرکز شمارش آراء در ولایت بلخ آشکارا شده است.

حضور بی رونق مردم در این انتخابات نشان می دهد که مردم به برنامه های دولت کم باور شده اند، ما به دولت و سازمان ملل متحد که مسؤولیت برگزاری انتخابات را عهده دار هستند و کشورهایی که در افغانستان حضور و منافع دارند توصیه می کنیم که سعی کنند شفافیت را در روند شمارش آراء با زدودن موارد شک برانگیز تأمین نمایند و اعتماد آسیب دیدهٔ مردم را به انتخابات و در کل به روند شؤون کشور برپایهٔ دموکراسی و مردم سالاری بازسازی کنند.

مردم به نتایج شفاف انتخابات پارلمانی به عنوان گامی واقعی در راه مشارکت مردم در تعیین سرنوشت شان امید فراوان بسته اند. اگر خدای نخواسته شیشهٔ این امید به سنگ یأس دست برد و تقلب بشکند بی درنگ به آسانی دیگر نمی توان اعتماد مردم را کسب کرد. در این حال است که تجربهٔ جدایی حکومت های پیشین از مردم باری دیگر تکرار می شود، کاری که عاقبت آن برای هیچ کس محمود نیست.

کمرنگی حضور مردم در انتخابات و نگرش هایی بر آن

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

اجرای انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی در ۲۷ سنبله که به عنوان نمایش تطبیق آخرین مرحلهٔ سازش نامهٔ بن باید آن را تلقی کرد، در سطح داخل و خارج به پیمانهٔ وسیعی به سود آن رسانه های گفتاری و شنیداری و دیداری گفتند و شنواندند و نشان دادند.

با اجرای این پروسه دیگر عنوان کردن فیصله نامهٔ بن در تعاملات سیاسی کشور فاقد محل اعراب بوده و باید آن را - با همه بگو مگوهایی که پیرامون آن وجود دارد - در صفحات تاریخ معاصر این کشور مورد بحث و کاوش قرار داد.

اجرای این انتخابات زمینه ساز آن خواهد شد که کابینهٔ حکومت از طریق آرای نمایندگان منتخب مردم به میان آید و کارکردهای آن از طریق نمایندگان مورد باز پرس قرار گیرد و دیگر حکومت به حیث فعال ما یشاء سرنوشت ملت را به بازی نگیرد.

با ذکر آنچه گفته آمد به بحث اصلی این نوشتار که کمرنگی شرکت مردم در این انتخابات است باید پرداخت و نگرش هایی را که در این راستا ارائه می گردد به مطالعه گرفت.

نمایندگان دولت و کارگردانان انتخابات، بر اشتراک بیش از ۵۰٪ مردم در انتخابات تأکید نموده و اجرای آن را از دست آوردهای بزرگ خویش به شمار می گیرند و به این باورند که کار بر وفق مراد پیش رفته و نتیجهٔ مطلوب که تحقق نظام مردم سالاری است به دست خواهد آمد.

برخلاف این بینش که برگستردگی شرکت مردم در این روند ترکیز دارد دو بینشی کاملاً از هم متفات دیگر نیز وجود دارد:

۱-گروهک های به اصطلاح دموکرات که همواره جنگ سالار و تفنگ سالار را عنوان کرده و میانهٔ خوبی با مجاهدین و نیروهای جهادی ندارند و هر آنچه در چانته دارند به سوی آنان حواله می کنند به این باورند که عدم شرکت گستردهٔ مردم در انتخابات زادهٔ کاندیدا شدن سران جهادی و فرماندهان جهادی بوده است یعنی از نظر آنان عدم شرکت گستردهٔ مردم در این انتخابات واکنشی بوده است در برابر کاندیدا شدن مجاهدین و یا به تعبیر آنان رفتن جنگ سالاران به پارلمان.

۲-اما باور مردم که باید در همه قضایای سیاسی و اجتماعی به حیث ملاک و معیار قضاوت و داوری قرار

> **باور مردم که باید در همه قضایای سیاسی و اجتماعی به حیث ملاک و معیار قضاوت و داوری قرار گیرد جدا از قضاوت دولت و گروه های به اصطلاح دموکرات است**

گیرد جدا از قضاوت دولت و گروه های به اصطلاح دموکرات است. مردم همان گونه که از مشاهدات عینی و گزارش های رسانه یی به ملاحظه می رسد دو عامل را در عدم شرکت گستردهٔ مردم در انتخابات عنوان می کنند:

۱-عدم موفقیت آقای کرزی به حیث رئیس برگزیدهٔ مردم در وعده هایی که به مردم داده بود و مردم یا عنوان قرار دادن این مطلب دیگر هر گونه انتخاب و گزینش افراد را به حیث

> **بدا به حال ملتی که دور از واقعیت ملی آن، برایش برنامهٔ ختم بحران و تأمین امنیت سرتاسری تدوین می کنند و آن را سرمشق ختم بحران برای سایر مناطق توفانی و بحران زده عنوان می کنند.**

نمایندهٔ خویش در انجام امور مربوط به زندگی و رفاه شان بی فایده تلقی می کنند و آن را کاری به حساب عبث می دانند.

۲-گزارش های رسیده از اکثر ولایات بیانگر آن است که مردم درمورد عدم شرکت شان در انتخابات می گویند که بازیگران اصلی در قضایای افغانستان طبق برنامه های از قبل طراحی شده اشخاصی را که باید به پارلمان رهیاب شوند خود تعیین نموده اند. بناءً دیگر نیازی نیست که ما رأی خویش را به بازی بگیریم و برای برنامهٔ تدوین شده از طرف آنان روپوش مشروعیت بدهیم با ارائهٔ نگرش های یاد شده در مورد کمرنگی انتخابات آنچه انسان را شگفت زده می کند منطق گروه هایی است که عدم شرکت گستردهٔ مردم را در وجود کاندیداهایی به تعبیر آنان جنگ سالار به بررسی می گیرند. به به چه منطقی؟!

قضاوت ها و داوری ها زمانی به بیراهه می رود که اثرهای سیاه کینه و عقده بر آن ها سایه افگند و قضاوت کننده را با تازیانهٔ خویش در جهتی سوق دهد که از واقعیت ها فاصله دارد.

آیا از چنین داوران و تحلیل گران که عنوان های بزرگی را هم با خود حمل می کنند نمی توان پرسید که اگر مردم به تعبیر شما جنگ سالاران را نمی خواهند چرا برای حذف آنان از صحنهٔ سیاسی تازه ایجاد شده به سوی کسانی نمی روند که با صاعقه های تحول جدید در صحنهٔ سیاسی افغانستان سر زده اند تا نمایندگان خود را برگزینند و آیندهٔ کشور را بر وفق مراد خویش رقم زنند؟!

با درد و تأسف که قضاوت ها و داوری هایی که در قضایای سرنوشت ساز این کشور بحران زده و قربانی مداخلات بیگانگان از طرف رسانه های ذهنیت ساز در سطح جهانی به نشخوار گرفته شده از همین قماش داوری بوده و بدا به حال ملتی که دور از واقعیت ملی آن، برایش برنامهٔ ختم بحران و تأمین امنیت سرتاسری تدوین می کنند و آن را سرمشق ختم بحران برای سایر مناطق توفانی و بحران زده عنوان می کنند.

انتخابات پارلمانی و . . .

او دربارهٔ این که چرا مردم به شکل وسیع و گسترده در این انتخابات سهم نگرفتندگفت: دیدگاه های متفاوتی در این مورد وجود دارد برخی ها نسبت به دولت خوشبین نبودندبعضی ها نسبت به کاندیداها وبعضی های دیگر نسبت به کمیسیون انتخابات بی اعتماد بودند.

میرویس و فضل نبی دو تن از دست فروشان در کارتهٔ سخی می گویند: مایان بیرون از مرز کشورمان به سر می بردیم و چند روز پیش از برگزاری انتخابات به وطن برگشتیم و در آن هنگام به چندین حوزهٔ کارت رأی دهی مراجعه نمودیم. مسؤولان حوزه های مربوطه برای مان گفتند که مدت توزیع کارت رأی دهی تمام شده است بناءً نتوانستیم در انتخابات پارلمانی سهیم شویم ولی خوشبختانه اعضای خانوادهٔ مان که در این جا سکونت می کردند، توانستند در انتخابات پارلمانی شرکت نمایند.

آنها دربارهٔ این که بسیاری از مردم چرا در انتخابات پارلمانی شرکت نکردندگفتند: البته در این مورد عوامل متعددی وجوددارد ولی عامل عمده و اساسی بی اعتمادی مردم نسبت به نظام کنونی می باشد.

محمد یونس یک تن از تکسی دریوران شهر کابل می گوید: خوشبختانه در انتخابات پارلمانی شرکت کردم و به شخص مورد نظرم رأی دادم و این را نیز مسؤولیت خود می پنداشتم.

او همچنان گفت که بسیاری از مردم نسبت به انتخابات پارلمانی بی توجه بودند و این انتخابات را به دیدهٔ سطحی می نگریستند و از همین سبب نخواستند در آن سهم بگیرند.

یک نظر اجمالی بر انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی در کشور

تکساری

بعد از سی و چند سال عدم حضور نمایندگان مردم در ولسی جرگه و شوراهای ولایتی افغانستان، بعد از انتخابات ریاست جمهوری انتخابات بیست و هفتم سنبلهٔ سال روان، بزرگ ترین رخداد سیاسی در کشور محسوب می شود. با وجود همه نا توانی ها و کمبودها، مردم به نتایج این انتخابات چشم دوخته اند چشمداشت ها و توقعات از پارلمان آینده نزد آنها متفاوت است، عده یی آن را مرکز دموکراسی در کشور می خوانند و عده یی بدبینانه به آن می نگرند و پارلمان را مرکز اندیشه های متضاد در وطن می دانند.

بعضی ها به وسیلهٔ پارلمان می خواهند راه صد ساله را یک شبه طی نمایند. و این سخنان بلند بالا را به یقین مردم از سخنان آن عده از کاندیداها استنباط می نمایند که برای آنها مکتب سرک و شفاخانه وعده داده اند. در حالی که وظیفهٔ پارلمان سرک و مکتب سازی نیست؛ بلکه وظیفهٔ بالاتر از این هاست: پارلمان مرکز قانون گذاری و سیاست گذاری است. وظیفهٔ عمدهٔ پارلمان را تأمین امنیت، عدالت، اصلاح سیستم اداری، تأمین حقوق عادلانهٔ افراد، حفظ و حراست استقلال، تنظیم روابط بین المللی و انکشاف متوازن در کل کشور و... تشکیل می دهد. اما آنچه قابل بحث و دقت است؛ بررسی علاقه مندی مردم به انتخابات است. انتخاب رئیس جمهور در افغانستان، در واقع به یک حرکت دراماتیک شباهت داشت؛ مردان و زنان در طول تاریخ سیاسی کشور خود، برای بار نخست رئیس جمهور را انتخاب می کردند و مردم مشتاقانه به پای صندوق های رأی شتافتند و در فرجام مشکل سیاسی کشور در مورد تعیین زعامت کشور حل گردید. همچنان مردم به این باور بودند که با انتخاب رئیس جمهور، به همهٔ نابه سامانی ها پایان داده می شود و کلبهٔ ویران آنها یک سره گلستان خواهد شد.

اما آن جذبه و علاقه یی که در انتخابات ریاست جمهوری وجود داشت. در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی وجود نداشت. دفتر یوناما گزارش داد که ۴۶٪ دارندگان کارت رأی دهی در کشور رأی خود را استعمال کردند، اما اوضاع و احوال و مشاهدات مستقیم نشان داد که در کنر، کابل و سایر شهرهای بزرگ افغانستان مردم کمتر از این ارقام منتشر شده رأی داده اند. باید به ریشه های این جریان سیاسی در کشور پرداخت. امروز در کل کشور و در میان آحاد مردم یک نوع دل سردی از نظام سیاسی کنونی وجود دارد کندی رشد بازسازی، قانون شکنی، معاملهٔ دولت با جنگ سالاران، طالبان و اربابان زور و زر و سرمایه، نبود یک نظام کارآ، عدم پیشرفت در نظام رفاهی و اقتصادی کشور، نبود امنیت قابل قبول برای همه و ... به این دل سردی و بی علاقگی مردم افزوده است.

این چیزهایی است که مردم افغانستان در آغاز کار رئیس جمهور منتخب آرزو می بردند. بیکاری، کمبود اشتغال، انفصال و سبکدوشی کارمندان دولت، اعم از ملکی و نظامی، بی رویگی در نظام قضایی، عدم اصلاح این دستگاه عظیم، بی کفایتی عمومی در دستگاه دولت، فساد و نا توانی دولت در زمینه های مختلف حیات مدنی مردم، افکار عامه را حتی به یک حادثهٔ سرنوشت ساز بی علاقه ساخته است.

امروز وقتی از دموکراسی حرفی به میان می آید، عده یی از دانشگاهیان و جوانان ما آن را با خشونت پاسخ می دهند

از جانب دیگر تبلیغات بی حد و حصر دولت، مبنی بر این که یک صد هزار سرباز اردوی ملی و ملیشه، از مراکز رأی گیری حراست خواهند کرد مردم را به هراس و تشویش انداخته بود، که حادثه یی در جریان است و باید از رفتن به مراکز رأی گیری احتراز گردد. از جانب دیگر انتخابات در کابل و شهرهای مهم افغانستان شکل قومی را به خود گرفت و نتیجهٔ این کار بحران عمیق عمومی در کشور است که نباید از آن انکار کرد.

مردم افغانستان به خاطر تحقق نظام دموکراسی غرب به جهاد و مبارزه نپرداخته اند، بلکه هدف مردم را آزادی و استقلال و به تعقیب آن نظام عدالت و قانون تشکیل می داد

از جانب دیگر زبان احزاب گنگ و نا رساست، مردم کمتر به سخنان احزاب گوش فرا می دهند؛ زیرا مردم موجودیت تفکر استبدادی را در اندیشه های احزاب مشاهده کرده اند. احزابی که در کشورهای شرقی چون افغانستان و سایر کشورهای عقب مانده و جهان سوم به قدرت رسیده اند، بالای سایر احزاب و نهادها استبداد روا داشته اند. این احزاب به عامل فشار در داخل کشورهای شان تبدیل شده اند. حزب دموکراتیک سایر احزاب را دشمن می خواند، حزب بعث در عراق سال ها بر سرنوشت مردم عراق حکم می راند و بدون عضویت در حزب بعث صدام هیچ کس قادر به پیدا کردن کار در دستگاه دولت عراق نبود. استخبارات کشور لیبیا چنان سهمگین و جهنمی است که مردم در شب های تاریک نزد نزدیک ترین دوستان خویش قادر نیستند که پیرامون نظام صحبت کنند. زیرا حزای - مخالفان مرگ است. وقتی مردم از زبان احزاب و لو هر قدر در آن صداقت وجود داشته باشد- چیزی بشنوند، قطعاً بدان اعتماد نخواهند کرد.

در افغانستان احزاب سیاسی از یک کفایت، مدیریت و دست آورد بی بهره اند و مردم حاضر نیستند سخنان آنها را بپذیرند و به دستور آنها به صندوق های رأی بروند. در کشورما فقر مزمن وجود دارد و فرهنگ فقر بر اوضاع کشور حاکم است. اکثریت مردم به فکر پیدا کردن آب و نان اند، نه برنامه های کلان سیاسی و سرنوشت ساز.

امروز وقتی از دموکراسی حرفی به میان می آید، عده یی از دانشگاهیان و جوانان ما آن را با خشونت پاسخ می دهند، باید بپذیریم که دموکراسی شاید در افغانستان پس از جهاد و مقاومت یک قضیهٔ آرمانی نباشد، مردم افغانستان به خاطر تحقق نظام دموکراسی غرب به جهاد و مبارزه نپرداخته اند، بلکه هدف مردم را آزادی و استقلال و به تعقیب آن نظام عدالت و قانون تشکیل می داد. این دموکراسی نمی تواند نظام خانواده، نظام اخلاقی، سیستم اقتصادی و روابط بین المللی ما را تعیین نماید. اما این دموکراسی می تواند در حوزهٔ انتخابات، ارائهٔ نظریات بدون ترس و خوف کارآمد باشد. دموکراسی در حقیقت همان رشد فکری و نبوغ فردی است که بار نخست در غرب شگوفه کرد. این دشواری هایی است که نه تنها درمیان مردمان کم سواد وجود دارد، بلکه درمیان تحصیل کرده های ما نیز وجود دارد. این همه پیچیدگی های جامعهٔ ماست که مردمان چیز فهم و عامهٔ جامعه را به حیرت واداشته است و فرجام این طرز تفکر را در پروسهٔ انتخابات مشاهده نمودیم. باید تفکر و اندیشهٔ مردم را به انرژی مادی تبدیل کرد ولی آن را به حرکت واداشت که این خود مسؤولیت اجتماعی است.

د ماشومانو لپاره د خوندي چاپيريال په هيله

الکوزي

داسې ورځ به کمه پیدا شي چې د راډیو تلویزیون، ورځپاڼو، تکیه ځایو او جوماتونو له لارې موږ ډیو شمیر ماشومانو د لادرکۍ او ورکیدو خبرونه وانه ورو خو د بده مرغه چې زیاتره دغه ورک ماشومان د هیواد له پولو ایستل کیږي او په نورو هیوادونو کې د ماشومانو د قاچاق په نورو دلالانو پلورل کیږي، جنسي تیریه پرې کیږي، د [illegible] د قاچاق لپاره کمارل کیږي، غړي ئې پرې کیږي او بیا له دغو معیوبو ماشومانو ځخه د خیرات په راټولولو او ګدائي کې کار اخیستل کیږي.

دغه راز قاچاقي ماشومان عربي هیوادو په تیره بیا سعودي عربستان ته استول کیږي او هلته تري بیا د غلامانو په توګه کار اخلي او بیائي د اوښانو ځغلول په لوبو کې شاملوي چې زیاتره ئې په دغه راز سیالیو کې مات ګوډ کیږي او یا خپل خوږ ژوند له لاسه ورکوي له تولو سخت بیا دا چې دغه راز قاچاق شوي ماشومان بیا د ماقیائي [illegible] له خوا وژل کیږي او د هغوي د بدن [illegible] غړي [illegible] او زړه بیا نورو انسانانو ته پیوندیږي.

د ماشومانو [illegible] او قاچاق د ډیرو کلونو راپه دې خوا د جنوبي آسیا، ځینو افریقائي هیوادو او د [illegible] هیوادو کې [illegible] چې د افغانستان د تیرو ۲۵ کالو بهرنیو او کورنیو جګړو د سورو په سلګونو ستونزو ئو ځنګه د ماشوم [illegible] ستونزه هم زیاته کړي ده چې [illegible] تونګه د لوږې او تنګ لاسي ځخه سرچینه نیسي او [illegible] خلکو ته ئې ستري اندیښنې پیدا کړي دي.

[illegible] په زیاترو ښارونو کې موږ او [illegible] لوبا ږدي ته نه حاضریږي چې خپل بچیان [illegible] او مراقبت ځخه بیونځیو ته واستوي او زیاتې داسې [illegible] هم شته چې خپل بچیان او په خاکري توګه خپلې لوړګانې ئې په کور کې ساتلي او ښوونځي ته د تګ اجازه نه ورکوي.

د ماشومانو د قاچاق په اړه د الیسان د کولن په ښار کې [illegible] د ماشومانو وجهي صندوق دفتر اعلام [illegible] چې د ماشومانو قاچاق وروستي هره ورځ [illegible] ماشومان پلوري او یا ئې اخلي. دالرایه [illegible] دغه تور تجارت [illegible] د جنسي [illegible] او د جنسي او [illegible] خلکو بچیان دي چې تل د [illegible] دي.

[illegible] په هیواد کې [illegible] سوداګریزه کار کوونکي [illegible] لوړیږي بي هوښه کوي او بیا [illegible] ځخه باسي خو چې کله ئې [illegible] شي [illegible] هغوي بیا لږه موده وروسته بیرته [illegible] او [illegible] په خپل اصلي شغل لاس پوري کوي که څه هم چې په وروستیو وختو کې ورته درنه جزا [illegible] خو [illegible] چې ګومي قضائي محکمې ئې [illegible] جزا ورکړي دي او که په جزا محکوم هم شي لږه موده وروسته بیر خوشې کیږي.

[illegible] د ماشومانو د [illegible] په اړه اوددغه عمل دغندني او [illegible] په ارتباط دولتي مقامات د بیلابیلو اطلاعاتي او تصویري [illegible] خاوندان، د جوماتونو ملا امامان روښانکفران او قومي مشرین [illegible] ښه خیال د [illegible] درک کړي او هڅه وکړي چې له یوي خوا د خلکو ذهنیت بیدار کړي چې د خپلو بچیانو دوامداره څارنه وکړي او له بلي خوا دغه راز جنایتکارانو نیولو او له منځه وړلو په لاره کې له امنیتي ارګانونو سره په ګډه کار وکړي تر څو دغه راز جنایتکارانو ځخه ونیول شي او زموږ افغان ماشومان په خوندي او مصئون چاپیریال کې خپلو زده کړو او نورو ټولنیزو او تفریحي مصروفیتونو ته دوام ورکړي.

دو غزل از محمد اسحاق فایز

هراس دوباره

نشسته بر دل آیینه ها ی ما زنگار
سکوت را به قفس بسته جای ما زنگار
اگرچه کوچهٔ میعاد خلوت است و خموش
گرفته آبله ها نقش پای ما زنگار
تویی نشسته به آن سوی شیشه خانهٔ عشق
ومویه می کند این شیشه ازبرای ما زنگار
میان حادثه ها شسته است بی آبی
رخ جوانیی بی دست و پایِ ما زنگار
نگفتمت که نفس سوخت درنهایت یأس
تمام آیینهٔ قد نمای ما زنگار ؟

■■■

هراس و باز هراسی دوباره ای یاران
اگر شکسته نگردد قفای ما زنگار

...سرود

سپیده گفتمش ابرو کشید و دود نوشت
غروب آمد و بر در گهش درود نوشت
زیان را که تمنای سالهایش بود
پذیره گشت اما در کتاب سود نوشت
شبی زمن به سیاهی گرفت شکوه بسی
نصیب گرچه نبودم ولیک بود نوشت
میان ما و خودش پرده گشت و حایل شد
تنید تا ردگر گریه، بازپود نوشت
مرا زگریه دریغی نبود، واویلا
تمام قسمت من یک دوحرف زود نوشت
زچشمه جاری و با دره هم عنانی کرد
میان دشت به یکباره ام کبود نوشت
میان دامنهٔ دشت زآفتابم سوخت
و از عقوبت آن در دلم سرود نوشت

نمایشنامه "زلزله" منتشر شد

محمد اسحاق فایز

عبدالرزاق مأمون را اهل فرهنگ در کشور ما به خوبی می شناسند. از او در عرصهٔ نویسندگی، رمان ها و داستان های کوتاه زیادی اقبال چاپ یافته است که از همه مهم تر، رمان "عصر خودکشی" است که بازتابی از حوادث و رویداد های واقعی در جامعهٔ ما در سه ده سال گذشته و مخصوصاً سال های اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ، می باشد.

مامون در رمان عصر خودکشی با نثری زیبا و شیوا به تصویر گری رویداد ها پرداخته است.

مامون به تازگی دست به انتشار دو کتاب تازه زده است که یکی مجموعهٔ داستان های کوتاه و دیگری نمایشنامه "زلزله" می باشد. ما در این مختصر می کوشیم این نمایشنامه را معرفی کنیم.

نمایشنامهٔ زلزله هر چند کوتاه و در هفت پرده نگارش یافته است، لحن نوشتاری و شیوهٔ نگارش مامون در آن از برازندگی خاصی بر خوردار است و از این رهگذر می توان این اثر را اولین، در عرصهٔ نمایشنامه نویسی دانست که از عمق، محتوا و دیدی فلسفی بر خوردار می باشد.

ما در این جا با یک نگارش ساده مواجه نیستیم تا بتوان به سادگی از درک و هضم دیالوک ها میان قهرمانان نمایشنامه به در آییم؛ زیرا مامون با زبان خاصی که در نوع خود در کشور ما بی نظیر بوده است به ذکر ما وقع می پردازد و چنین می نماید که مامون در بدو امر زلزله را برای عوام نه، بلکه برای خواص نگاشته است.

در گذشته نیز در افغانستان نمایشنامه هایی نوشته اند که غالباً بازاری بوده و به ندرت همه چاپ شده اند (لااقل من ندیده ام) ما شاهد روی صحنه رفتن نمایشنامه هایی که از سوی نویسندگان کشور ما نگارش یافته اند و مانند زلزله زبان خاص و دیدی عمیق و فلسفی باشند نبوده ایم و حالا این امتیاز به نمایشنامهٔ زلزله تعلق یافته است.

همان گونه که در بالا اشاره کردم ، مامون در زلزله به همان پیمانه که به زبان نمایشنامه اش توجه کرده است به همان پیمانه به دروتمایه و جان مطلب و دید فلسفی رویدادها نیز پرداخته است.

برخی از قهرمانان نمایشنامه در یک نماد ظاهر می شوند واین نمادهاست که گاهی از یک شخصیت عینی و گاهی هم از کتلهٔ عظیمی از انسان های دور و برمان نمایندگی می کنند.

نمایشنامه بیشتر از آرمان پامال شده و حسرت آنانی حکایت می کند که یاران شان پس از تصاحب قدرت و رسیدن به مناصب توسن مراد را می تازانند و به آن چه که جانمایهٔ زندگی و عزت شان بوده است، پشت پا می زنند.

نمایشنامه به شرح رخدادها و حوادث سال هایی می پردازد که بساط حکومت طالبی از کشور برچیده می شود و این زمانی است که احمد شاه مسعود "رح" از جهان رحلت کرده است.

قهرمانان نمایشنامه چهره های واقعی اند و از این رهگذر می توان این نمایشنامه را یک تاریخ تمثیل شده نیز دانست.

روح امام بزرگ که هر از گاهی از فراز آسمان ها در هیأت یک رنگین کمان ظاهر می شود و یاران ره گم شده را ره می نمایاند و بر آن ها نهیب می زند تا دست از پا خطا نکنند و چنین بی جای و جا گه بر آرمان های بزرگ شان پانتهند.

جبلستان، افغانستان است و مختار الدوله، ابوالفیاض، عبدالمناف طیب، شیخ الزمان، حافظ الدوله و ناظم البدهر قهرمانان برازنده و اصلی نمایشنامه هستند.

نمایشنامه دقیقاً بیان واقعیت هایی است که در کشور رخ داد و دست هایی که بازی بزرگ را راه انداخته است در شکل و سامان یابی آن بازی خونین و مصیبت بار در کشور مان دخیل بوده اند، در نمایشنامه بر ملا می شوند و از این ره نیز نمایشنامه زبان تلخی دارد.

نویسنده کوشیده است سرخوردگی و حسرت درد آلود مجاهدین را که همه چیز خود را در راه آزادی و استقلال کشور خود از دست داده اند و این گونه حالا به حاشیه ها رانده شده اند تا فراموش گردند، به نمایش بگذارد.

این نمایش، با مضحکهٔ ترس ودلهره و نومیدی های شماری از قهرمانان جان می گیرد.

"غیبگو" و "مشفق" در نمایشنامه دو نماد بارز از مجاهدینی اند که رانده شده و محتاج نان صبح و شام اند و در برابر آنانی که از عصارهٔ جهاد جیب ها را پندانده اند و از اوضاع نا آرام سی سال اخیر در کشور بهره های نا جایز گرفته اند می ایستند.

در برابر این چهره ها، ظفر که نمادی از شرارت و فضولی است و او نیز از شمار "بهره بردگان" از جهاد است قرار دارد و آنگاه که هیولای درونش سرکشی می کند، در نهاد یک سگ در برابر نماد امام بزرگ غف غف می کند و به این ترتیب نشان می دهد که انسان شرارت گر به هیچ اصلی جز شرارت پای بند نیست.

غیب گو در نمایشنامه خطاب به ظفر می گوید: "ظفرا! ای خلف الصدق نفس و بیماری ... تو. که حسابت از این مجلس جدا شده است و از سال ها از لاغری دیگران به فربهی رسیدی. وقتی خواب دیدم که خوی سگی برایت دست داده است، رنجور گشتم. وفاداری یک سگ قاعدهٔ طبیعی دارد اما آن که در ازای اژدهای درون به زانو در بیاید، حتی وفاداری بهایم نیز در وی می میرد"!

"غیبگو" در نمایشنامه و "مشفق" نیز چهره های نمادینی اند که زبان ده ها هزار مجاهد راه آزادی و استقلال کشور شان را در نمایشنامه، تمثیل می کنند و شهره، مادر دردمندی که نمادی از تمام زنان مظلوم کشور شده است.

روح امام بزرگ در آخرین پردهٔ نمایشنامه نیز حلولی چندین باره دارد و خطاب به یاران می گوید: "زمین جبلستان را روی شانهٔ اژدها گذاشته اند. تا وقتی گم راهان طایفهٔ من، برای اژدهای صبح و شام خویش، طعمه و خوراک مهیا کنند، زلزله را پایانی نخواهد بود".

نمایشنامه با این کلمات عبرت آمیز پایان می یابد:

"اذان فرشته های گریخته از جبلستان، در آسمان پیچیده است. امام از بام افق به سوی جبلستان خیره مانده است. از آسمان صدایی به گوش ها می ریزد که زلزله سومی در راه است. گویند زمان مفارقت امام به سر رسیده است. آه بیدار شوید یاران من!

جادوی خواب رحمانی هزار ساله، بار دیگر رهروان را در خود فرو می برد".

کتاب زلزله زیبا، آموزنده و خواندنی است و خواندن آن را به همه فرهنگیان توصیه می کنم.

برای مامون عزیز قلم توانا و عمر دراز از خداوند منان می طلبم.

آمین، یارب العالمین

بدلون

ډيري خولي زما په ياد شکر خوري شوي
بيا زموږ په زما نه خاوري ايري شوي
د چندنو وني وسوليدي لاړي
هزار ځانګي دشمشادو په اري شوي
په هغو څمکو چي روغي وي مانيه
د ايام په ګردشونو اديري شوي
په دنيا کي چي بنياد د اشنائي کا
د هجران توري هغو لره تيزي شوي
دافلک چي خداي پيدا کړ دائي خوي دي
چه وچاوته دعا چا ته ښيري شوي
خپل قسمت په سري کاندي هر چه کاندي
د چا برخه خاموشي د چا ناري شوي
د دنيا د محلونو ښنتي واړه
و رحمان ته د سرونو مناري شوي

د عمر اوږدوالي راز

پامير

په رښتيا چي ظلم ډير بد شي دي، ظالم د هيچا نه خوښيږي، هوښياران وائي د ظالم عمر لنډوي او دښه سړي عمر زيات، له خوښي او روحي سکون نه ډك وي. موږ وليدل چي زياتره قومونه او ملتونه د زور ظلم له لاسه تباه شوي دي د کومو کورنيو مشرانو چي ظلمونه کړي د هغو اولادونو بيا ښه ورځ نه ده ليدلي او نه په نيکي باندي چا ياد کړيدي خو چا چي نيکي کړي او خلکو ته ني ښيګڼه رسيدلي هغوي بيا د خلکو په زړونو کي ځاي نيولي او ان اولادونو ته ئي خلك د درناوي سر ټيټوي.

کيسه ده چي شاهين او کارغه دواړو انډيوالي درلوده، يوه ورځ شاهين له کارغه څخه پوښتنه وکړه چي ستاسو عمرونه به څو کاله ته رسيږي؟

کارغه ورته په ځواب کي وويل:

زموږ عمرونه زياتره له سلو کالو څخه هم اوړي بيا کارغه له شاهين پوښتنه وکړه چي ستاسو عمرونه څو کالو ته رسيږي؟ هغه ورته وويل زموږ عمرونه له زيات نه زيات يو کال دي او کله لا يو کال ته هم نه رسيږي په مياشت دووکي له خپل ژوند سره خداي په اماني وکړو.

کارغه د شاهين په دي خبره يو ناڅاپي تعجب وکړ او زياته ئي کړه چي ستاسو عمرونه خولااوس هم ډير زيات دي داولي؟

شاهين ورته په غوسه کي وويل: عجيبه ده ستاسو شل-کلن عمر زياته نه دي او زموږ يو کال عمر بيا درته زيات ښکاره شو؟ کارغه وويل دظالمانو عمرونه دومره اوږده نه وي په تاسو د يو کال عمر هم ډير زيات دي. که له دي نه ستاسو عمر زيات شي نو د ځمکي پر مخ به يوه مرغۍ هم پاتي نشي، دا ښه دي چي عمرونه مو لنډ دي.

وائي چنګيزخان يوه ورځ چاته وويل چي راتلونکي نسلونه به زما د کارنامو ډيره ستاينه کوي او زما په کړو وړو به د نړۍ تاريخونه ډك وي، هغه ورته په ځواب کي وويل چي تاريخ به څوك وليکي؟ تاسو خو د ځمکي پر سر ژوندي انسان پري نښودل....

د ظلم پراس سپورتي دمستي سندري وائي
ظالمه د مظلوم له اهه ولي بي پروا يي

لاروی

شاه محمود الکوزی

موږ د خپلو کورنو تر څنګ په ډيره کي ناست وو، له پاسه يو لاروي راغي د ونـي ډډي ته ئي ډډه ولګوله ، له ملا نه ئي ډوډۍ راپرانيسته او د پيازو له غوټي سره ئي په خوند خوند خوړله، موږ وړي تږي ناست وو، هغه خان موږ کړ او يخي اوبه ئي وڅښلي.

موږ روژه وو، هغه بوزه و خکه چي په مسافرو باندي روژي نشته. لاروي وويل: ما ته د خوړو اجازه شته او تاسو ته نشته، ماته خداي خواړه او اوبه راکړي دي

په رمز او معني ني پوهيدل په کار دي

د خداي کارونه بي حکمته نه وي، تاسي ددغه عملي تعليم په اصلي معني ښه فکر وکړئ!

تاسي ولي وږي ياست او زه موړ يم؟

دا ځکه چي زه په کار او مقصد پسي روان يم او تاسي ځاي پرځاي ناست ياست. ستاسو حرکت لنډ دي ځکه ئي وږي کړئ ياست، تاسي د خداي قانون منلي دي مګر پوه شوي پري نه ياستئ، زه راوګرځيدم چي تاسو په دغه راز پوه کړ م او له لوږي نجات ومومي، پاڅيږئ، روان شئ او لري ځاي په نظر کي ونيسئ لوږه او تنده په توقف او سکون کي ده په حرکت کي نشته.

دیورند، مرزی به روی خاک، خطی به روی کاغذ

وحید مژده

میراث استعمار

مرز میان کشورهای استعمار زده، هریک داستان خاص خود را دارد. در مورد بعضی از مرزها استدلال این است که این خطوط، مرز جدایی میان ملت ها نیست بلکه خطوطی است که روزگاری استعمارگران میان حوزه های منافع خود کشیده بودند.

داستان مرز مشترک میان افغانستان و هند بریتانوی نیز چنین است و به همین دلیل در نقشه هایی که در افغانستان به چاپ می رسد، این خط مرزی نه با خط ممتد، بلکه با نقطه و خطوط کوتاه و منقطع نشان داده می شود.

در شرایطی امیر عبدالرحمن خان مجبور شد تا در مورد پیشنهاد انگیس برای تعیین مرز جدید با هند بریتانوی تصمیم بگیرد که انگلیس ها با مداخلۀ پنهان در مناطق قبایلی موجب بروز مشکلات امنیتی گردیدند. مقابله با این ناامنی ها برای امیر مشکل بود. وی به عنوان پادشاهی خودرأی و مستبد، همانند همه خودکامگان ستمگر فقط در اندیشۀ دوام سلطه به هر قیمت ممکن بود. او می دانست که ارزش استراتژیک افغانستان از نظر استعمار انگلیس، برای سلطۀ مطلقۀ وی زیان آور است. پس راه دوام سلطه را در آن دید تا از بخشی از سرزمین افغانستان که برای انگلیس ها دارای اهمیت بیشتر بود چشم بپوشد.

"سرهنری مورتیمور دیورند" با هیأت همراه خویش در سال ۱۸۹۳ زمانی به کابل رسید که نیرو های انگلیس در سرحد دو کشور در حال آماده باش کامل برای حمله بودند. هرچند گفتگو در کابل با بحث و استدلال های نمایندگان دوطرف، مدت تقریبا چهل روز ادامه یافت اما پیام انگلیس ها روشن و صریح بود. یا امیر افغانستان بر عهد نامه و نقشۀ همراه آن امضا بگذارد ویا پذیرای جنگ باشد. انگلیس ها به خوبی می دانستند که امیر بیش از این که از حملۀ انگلیس ها هراسان باشد از مردم خود در ترس است.

من از خیر رعایای حرف ناشنو گذشتم!

تشخیص انگلیس ها درست بود. امیر عبدالرحمن خان بدون مشوره با مردم و حتی با درباریان خودش، بر این معاهده مهر تأیید نهاد اما برای اعلام انفاذ آن، دربار بزرگی با حضور هیأت انگلیس تشکیل داد و طی سخنانی در آن محفل از دوستی میان افغانستان و انگلیس سخن گفت. او در همین مجلس از بی اطاعتی بعضی از اقوام سرحد از جمله وزیری ها شکوه سر داد و استدلال نمود که چون این اقوام از من حرف شنوی نداشتند، من از آنها دست بردار شدم.

هرچند بعضی از دانشمندان به این نظر اند که امیر در پای این معاهده امضا نکرده است اما امضای وی در پای قرارداد به رنگ سرخ وجود دارد.

پس از عبدالرحمن خان، پسرش امیر حبیب الله خان، و پس از او نیز پسرش امان الله خان هرکدام این معاهده را تأیید نمودند.

خط دیورند پس از تقسیم نیم قارۀ هند

در سال ۱۹۴۷ هند از چنگ استعمار رهایی یافت و به دو کشور هندوستان و پاکستان تقسیم شد. زمانی که مسألۀ عضویت پاکستان در سازمان ملل متحد پیش آمد، نمایندۀ افغانستان یادداشتی به این سازمان تقدیم نمود تا در ریفرنس باقی بماند. در این یادداشت تصریح شده بود که افغانستان با کشور نوبنیاد پاکستان اختلاف مرزی دارد.

اختلاف مرزی بر سر دیورند هرچند در طول سال ها، روابط میان افغانستان و پاکستان را سرد و گاهی متشنج نگهداشت اما مانند اختلاف میان هند و پاکستان برسر منطقۀ کشمیر، هرگز موجب یک جنگ تمام عیار نگردید

اختلاف مرزی بر سر دیورند هرچند در طول سال ها، روابط میان افغانستان و پاکستان را سرد و گاهی متشنج نگهداشت اما مانند اختلاف میان هند و پاکستان برسر منطقۀ کشمیر، هرگز موجب یک جنگ تمام عیار نگردید. حتی در بدترین شرایط برای پاکستان، یعنی جدایی بنگلادیش از این کشور که بخش مهمی از نیرو های نظامی اش در پاکستان شرقی گیر افتاد، افغانستان نخواست تا از شرایط بهره برداری نماید و با دست زدن به اقدام نظامی، پاکستان را زیر فشار قرار دهد. برعکس به دولت هند به خاطر حملۀ هوایی به این مناطق هوشدار داد.

خاک ومردم

سرزمین آن سوی دیورند فقط خاک نیست بلکه شامل مردمی است که ریشه در آن خاک دارند. توجه به ارادۀ آنها از طرف دولت پاکستان، تأکید دولت های مختلف در افغانستان بوده است. در دوران سلطنت ظاهر شاه روز نهم سنبله به عنوان روز پشتونستان تجلیل می شد.

تا قبل از فروپاشی اتحادشوروی، افغانستان میزبان جمعی از سران پشتون و بلوچ مخالف دولت پاکستان بود. خط دیورند در بعضی از مناطق قبایلی میان افغانستان و پاکستان شرایطی را به وجود آورد که هردو کشور سعی می کردند از هر اقدامی که ممکن بود طرف مقابل از آن به نفع خود بهره برداری نماید اجتناب ورزد. این وضع موجب یک سلسله آزادی ها برای مردم این قبایل گردیده بود. اما جهاد افغانستان این شرایط را به نفع پاکستان دگرگون ساخت و به این کشور مجال آن را فراهم آورد تا در محدود ساختن آزادی های قبایل بکوشد و در تلاش گسترش سلطۀ دولتی بر قبایل باشد. بعد ها بهانۀ مبارزه با تروریسم در مناطق قبایلی، این سلطه را گسترش بیشتر بخشید که دولت افغانستان نیز از آن جانبداری نمود. در طول تاریخ این اولین باری بود که یک دولت در افغانستان ازعملیات نظامی پاکستان در مناطق قبایلی حمایت می کرد.

بلوچ ها و حساسیت ایران

در آن سوی دیورند تنها پشتون ها ساکن نیستند بلکه در منطقۀ وسیعی که همسرحد با ایران است قبایل مختلف بلوچ نیز ساکن اند. دولت های مختلف در افغانستان هرچند از حقوق بلوچ ها هم سخن می گفتند اما در مجموع بیشتر تأکید روی مسألۀ پشتونستان مستقل بود.

در این جا مسألۀ حساسیت ایران نسبت به یک بلوچستان آزاد موجب می گردید که از سرزمین مستقلی به نام بلوچستان سخن به میان نیاید؛ زیرا ایران خود دارای اقلیت بلوچ است و هرگز نمی خواهد شاهد به وجود آمدن یک بلوچستان مستقل در مرز های خودش باشد. در دوران صدارت ذوالفقار علی بوتو شاه ایران در سرکوب شورشیان بلوچ با دولت پاکستان همکاری نزدیک داشت.

نقشه یی که صد سال بعد بر زمین تطبیق شد

در قرارداد دیورند توافق شده بود تا این خط با اعمار نشانه های سرحدی میان دو کشور مشخص گردد اما انگلیس ها جرأت نکردند تا این نقشه را با زمین در همه مناطق به صورت دقیق تطبیق نمایند و نشانه های سرحدی برپا کنند. فقط در مناطقی که تسلط نظامی به آنها اجازه می داد این کار صورت گرفت اما در صد ها کیلومتر باقی مانده، خطوط روی کاغذ بر خاک مجال تطبیق نیافت و نشانه های سرحدی نیز اعمار نشد. مردم بعضی از روستا ها در این مناطق که شاید مطابق نقشه در آن سوی دیورند واقع باشند و خود را افغان می دانند از رفتن زیر سلطۀ انگلیس ابا ورزیدند.

در دوران جهاد افغانستان، پاکستانی ها فرصت یافتند تا با نقشه های به دست آورده از آرشیف دوران استعمار هند بریتانوی، این سرحدات را بررسی مجدد نمایند. این که این نقشه ها تا کدام حد درست است، خود جای سوال دارد اما شاید بر بنیاد همین نقشه ها، آنها تهانه های سرحدی خویش را در بعضی مناطق کیلومتر ها به داخل خاک افغانستان جلو آوردند. در بعضی از مناطق سرحدی هم با اعمار مکتب و کلینیک و آوردن برق و سایر امکانات رفاهی، مردم را تشویق نمودند تا تابعیت پاکستان را بپذیرند.

در دوران حکومت مجاهدین به علت جنگ های داخلی مجالی برای مذاکره با پاکستان روی مسائل سرحدی میسر نشد.

پس از به قدرت رسیدن طالبان چنین به نظر می رسید که آنها در مورد دیورند به پاکستان امتیاز

در قرارداد دیورند توافق شده بود تا این خط با اعمار نشانه های سرحدی میان دو کشور مشخص گردد اما انگلیس ها جرأت نکردند تا این نقشه را با زمین در همه مناطق به صورت دقیق تطبیق نمایند و نشانه های سرحدی برپا کنند

خواهند داد اما چنین نشد. هیأتی تحت ریاست مولوی جلال الدین حقانی وزیر سرحدات طالبان در مذاکره با نواز شریف نخست وزیر پاکستان خواستار عقب نشینی نیروهای پاکستانی به تهانه ها و خط مرزی یی شد که قبل از جهاد و در دوران جمهوری داوود خان میان دو کشور وجود داشت. قرار بر این شد که دو طرف نقشه های دست داشته را در مورد ارائه نموده و در مورد به توافقی برسند. مذاکره در مورد دیورند را طالبان به این دلیل که هنوز تمام کشور را تحت تسلط ندارند، جامعۀ جهانی نیز آنان را به رسمیت نمی شناسد و هنوز شورایی در افغانستان وجود ندارد که به نمایندگی از همه ملت در این مورد تصمیم بگیرد، به بعد موکول کردند و در تلاش تهیۀ نقشه برآمدند اما پانزده روز بعد از این مذاکرات، نواز شریف از کار برکنار شد و این اقدامات بی نتیجه ماند.

اکنون زمان به نفع پاکستان است

پس از انتخابات پارلمانی در افغانستان، پرویز مشرف پیشنهاد نمود تا برای جلوگیری از نفوذ جنگجویان طالب به داخل خاک افغانستان، در مرز دوکشور سیم خاردار کشیده شود. دولت افغانستان به این دلیل که این عمل در مخالفت با رابطۀ تاریخی میان مردمان دو سوی مرز است، با آن مخالفت کرد و سپس خلیل الرحمن گورنر ایالت سرحد پیشنهاد نمود اکنون که یک صد سال از معاهدۀ دیورند سپری گردیده باید در مورد سرنوشت این معاهده با جانب افغانی مذاکره صورت گیرد. انتخاب زمان در مطرح کردن این پیشنهاد مهم است.

دولت افغانستان تحت فشار روزافزون جنگجویان مخالف قرار دارد و آتش این جنگ نیز بیشتر در مناطقی شعله ور است که قرار است لوله های انتقال گاز ترکمنستان به نیم قارۀ هند از آن عبور نماید. خط لوله یی که امریکا- حامی اصلی دولت کرزی- هیچ گاه علاقۀ خود را به آن پنهان نکرده است. البته در صورت پیاده شدن این طرح، عواید آن برای افغانستان نیز قابل توجه است.

خطی که سرحد نبود

مسألۀ دیورند در میان افغان ها همیشه یک مسألۀ حساس تلقی شده است. به دلیل همین حساسیت، دولت های گذشته در افغانستان فقط گفته اند این مرز را به رسمیت نمی شناسند. آنها به صورت رسمی هرگز از دیورند به عنوان سرحد میان افغانستان و پاکستان نام نمی بردند اما در دولت آقای کرزی دیگر این گونه نزاکت ها مراعات نشد. افغانستان بارها پاکستان را متهم کرد که از مرز این کشور با افغانستان در مناطق قبایلی جنگجویان وارد خاک افغانستان می شوند واین خود به معنی پذیرفتن دیورند به عنوان سرحد بود. در حالی که در دوران کمونیست ها این مناطق، (مناطق تحت کنترول دولت پاکستان) خوانده می شد.

مشکلات حقوقی

قرارداد را بیش از یک قرن قبل پادشاهی مستبد بدون مشوره با مردم خود و تحت فشار نظامی نیروهای انگلیس، با آن کشور به امضا رسانید تا سلطۀ استعمار بریتانیا بر هند مستحکم تر گردد. اکنون که یک قرن از امضای این قرارداد سپری شده است، نه از سلطۀ انگلیس اثری به جا مانده و نه هندوستان با افغانستان همسرحد است. میراث استعمار به کشوری رسیده است که در آن زمان وجود خارجی نداشت. آیا مذاکره باید تنها میان افغانستان و پاکستان صورت گیرد ویا انگلیس، هند و سازمان ملل متحد هم در آن سهیم گردد؟

بسیاری از افغان ها به این باور اند که معاهدۀ دیورند افغانستان را از دسترسی به بحر آزاد محروم کرد. پس هر راه حل در این رابطه باید متضمن دستیابی افغانستان به بحرباشد.

نکتۀ مهم دیگر این است که تصمیم در این باره تنها مربوط به دولت ها نیست بلکه نظر مردمانی نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد که با قرارداد دیورند از افغانستان جدا شدند. هرچند گمان نمی رود که مردم آن مناطق در انتخاب میان پاکستان آباد و افغانستان ویران به گزینۀ دوم رو آورند.

اگر در این مورد مذاکراتی هم آغاز گردد بسیار دشوار خواهد بود و پیچیدگی های مساله موجب خواهد شد تا مذاکرات سال ها ادامه یابد.

قوهٔ قضائیه در کرسی اتهام

گزارش از راوی

تلویزیون طلوع در دو بخش از برنامهٔ پر طرفدار خویش "گزارش شش ونیم" مشکلات مردم با قوهٔ قضائیهٔ کشور را به کنکاش برد. مسعود قیام تهیه کنندهٔ جوان و با استعداد این برنامه سوالاتی را مطرح کرد که در ذهن هر هموطن، به خصوص کسانی که به شکلی روزی سروکار شان به محاکم افتاده است، وجود دارد.

در بخش اول که چند هفته قبل به نشر رسید، بعضی از صاحب نظران که زمانی با ستره محکمه نیز کار کرده اند به طرح مسائلی پرداختند که قوهٔ قضائیه به آن مواجه است.

محترم بهاء الدین بها رئیس کمیسیون اصلاحات عدلی و قضایی که اکنون منحل شده است موضوع شایسته سالاری و تخصص در ستره محکمه را زیر سوال برد وگفت که از جملهٔ ۹ قاضی شورای عالی ستره محکمه فقط سه تن آنان از قضات با سابقه و متخصص اند. باقی آنان فاقد تجربهٔ کاری در مسلک قضا و تحصیلات قضایی می باشند.

محترم رسولی از متخصصان امور قضایی کشور، مسألهٔ سیاست کادری در ستره محکمه را زیر سوال برد و قوهٔ قضائیه را دستخوش اقربا پروری جناب قاضی القضات دانست چیزی که ادارهٔ لوی سارنوالی نیز از آن رنج می برد. وی گفت که اکثریت رؤسای ستره محکمه و محاکم ولایات از یک سمت اند. منظور وی سمت مشرقی بود که آقای شینواری قاضی القضات کشور نیز از آن سمت است.

محترم فضل احمد معنوی معاون پیشین ستره محکمه نقش خویش در هنگام تصدی در ستره محکمه را تشریفاتی خواند اما نخواست بر کسی اعتراضی وارد نماید.

وحید مژده سابق رئیس نشرات و سخنگوی ستره محکمه گفت که در کنفرانس بن قانون اساسی سال ۱۳۴۳ با حذف فصل پادشاه به عنوان قانون اساسی موقت کشور تا تدوین قانون اساسی جدید شناخته شد. در آن قانون اساسی حداکثر سن قاضی القضات شصت سال تعیین گردیده بود. در جلسهٔ بن در مورد تعیین قاضی القضات فیصله یی صورت نگرفت یا شاید این موضوع مهم تشخیص داده نشد. بعداً رئیس جمهور کرزی آقای شینواری را به این سمت برگزید که بیش از هفتاد سال سن داشت. این کار خلاف قانون اساسی نافذ کشور بود و اکنون سوال این است که سرنوشت فیصله هایی که از آن زمان تا زمان انفاذ قانون اساسی جدید صورت گرفته است چه خواهد شد؛ زیرا در رأس کار شخصی قرار داشت که قانوناً حق قضاوت را نداشت.

شینواری شیخ فانی است وی عقل خود را از دست داده و قوهٔ قضائیهٔ کشور را به فساد کشانیده است

وی همچنان بر اقدامات سیاسی قاضی القضات از جمله ریاست شورای علما و تقاضا از رئیس جمهور بوش مبنی بر دوام کار خلیل زاد به عنوان سفیر در افغانستان انتقاد نمود و آن را مداخلهٔ قضا در امور سیاسی دانست. وی همچنان نقش شورای علما به عنوان حامی اقدامات دولت را ضربه به حیثیت علمای دین خواند و گفت که علمای دین باید مصلح باشند. وی شورای علما را با ادارهٔ شؤون اسلامی دوران کمونیست ها مقایسه کرد.

در برنامهٔ دیگر از گزارش شش ونیم تلویزیون طلوع، قوهٔ قضائیه وشخص قاضی القضات با شدت بیشتر مورد حمله قرار گرفت. مولوی سید آقا مشهور به مولوی تره خیل یکی از علمای مشهور حیثیت علمی قاضی القضات را زیر سوال برد و یکی از قضات به نام مولوی زاده با سخنان تند، قاضی القضات را مورد انتقاد قرار داد و گفت که شینواری شیخ فانی است وی عقل خود را از دست داده و قوهٔ قضائیهٔ کشور را به فساد کشانیده است. وی از مداخلات پسران قاضی القضات در امور قضایی نیز شکایت کرد.

در جواب این همه اتهامات، قوهٔ قضائیه هم سرانجام تصمیم گرفت تا به جواب بپردازد و البته تلویزیون طلوع این فرصت را به آنان داد. محترم محمد قاسم حلیمی رئیس تفتیش قضایی ستره محکمه قاضی مولوی زاده را به گرفتن رشوه متهم نمود در حالی که مولوی زاده مدعی بود عزل موقت وی به دلیل عریضهٔ یی صورت گرفته است که بازنده در یک دعوا مدعی شده است که قاضی از طرف مقابل من رشوه گرفته است. قانوناً در چنین موارد اول باید موضوع مورد تحقیق قرار گیرد و بعد مطابق به فرمان رئیس جمهور به عزل موقت قاضی پرداخته شده و پس از این که اتهام ثابت شد، قاضی به جزا و عزل دایم از مسلک قضا محکوم می گردد. در حالی که قاضی القضات فقط به یک عریضه آنهم از طرف شخصی که فیصله علیه وی صادر شده است، به عزل قاضی حکم صادر نموده است.

دکتر مالک کاموی آمر عمومی اداری قوهٔ قضائیه در جواب به اتهام مداخلات قاضی القضات در امور سیاسی گفت که وی از شخصیت های مورد احترام در کشور است و باید در جهت صلح دست به اقدام بزنند. وی تأیید نمود که مداخلهٔ قضا در سیاست مخالف قانون اساسی است اما جواب وی طوری بود که گویا شورای علما یک نهاد سیاسی نیست. وی گفت که تقاضای قاضی القضات از جورج بوش به خاطر درخواست مردم سراسر کشور از قاضی القضات برای دوام وظیفهٔ خلیل زاد صورت گرفته بود. این تقاضا را به ادعای وی مردم افغانستان از طریق اعضای شورای علما به قاضی القضات تقدیم داشته بودند.

قاضی القضات فقط به یک عریضه آنهم از طرف شخصی که فیصله علیه وی صادر شده است، به عزل قاضی حکم صادر نموده است

این که چرا مردم افغانستان این خواست را به صورت مخفی ارائه کردند و با وجود آزادی بیان و مطبوعات در کشور، رسانه های خبری از درخواست مردم سراسر کشور در آن مقطع از زمان بی خبر باقی ماندند، هنوز هم جای سوال دارد.

گفتند و ...

پرده داران افغانی عذر می آوردند که کار ما نیست، کار خارجی هاست. در این اثنا یک خارجی که موی زرد و لکه هایی بر روی دارد می آمد بیرون و می رفت داخل، و هر بار به پرده داران افغانی به زبان و اشارت می گفت که صفوف منتظران را پس و پیش کنند و پرده داران هم امتثال امر می کردند.

این آدم ضمن دستور دادن به پرده داران چند بار گاهی در خطاب به پرده داران و گاهی در خطاب به منتظران با کراهتی که در سیمایش پیدا بود می گفت: فکنگ، فکنگ!

برخی می خندیدند و برخی می پرسیدند این آقا چه می گوید؟ جوانکی که معلوم بود ناظری از کاندیداها بود گفت: معنایش را نپرسید ولی بدانید که دشنامی غلیظ است! کسی گفت: این را می گویند پاس داشتن کرامت انسانی در جامعهٔ مدنی!

تأثیر انتخابات برشگوفایی استعدادها

رژیم های استبدادی همیشه موجب سرکوب استعدادها شده اند در حالی که در نظام های آزاد و جوامع باز همیشه استعدادها رشد نموده و شگوفا شده است.

به عنوان مثال: مردم در انتخابات پارلمانی و شوراهای ولایتی سهم گرفتند.

عده یی چون من بی هنر فقط به (تک مارک) کردن خانهٔ مقابل نام و عکس کاندیدای مورد نظرم اکتفا نمودم اما کسانی که استعداد هنری داشتند از همین فرصت نیز برای تبارز هنر و شگوفایی استعداد بهره جستند. جمعی در اوراق رأی دهی به نوشتن شعار پرداختند و هنر خوش نویسی به نمایش گذاشتند و تعدادی زنده باد و مرده باد به ریش این و آن چسپاندند.

بعضی ها در اوراق رأی دهی شعر نوشتند که به نظر من بهتر است بعد از ختم شمارش آرا و اعلام نتایج به یک کمیسیون متشکل از شاعران و ناقدان هنری سپرده شود تا در مورد وزن و قافیه و هنر بدیع و بیان اشعار نوشته شده ابراز نظر فرمایند.

رشتهٔ دیگر هنری که در این اوراق رأی دهی تبارز یافته است هنر رسامی با خودکار است به عبارهٔ دیگر هنرمندان کارتونیست نیز با رسم کارتون به تبارز هنر خویش پرداخته اند بهتر است مجموعهٔ این کارتون ها نیز طی یک رساله به نشر برسد.

البته این که چنین برگه های رأی دهی باطلند و از تعداد رأی دهندگان خواهد کاست جای تأسف است اما امید است سایهٔ نظام های مشوق استعدادهای هنری در این سرزمین مستدام باشد و در انتخابات آینده شاهد تبارز بیشتر استعدادهایی از این دست در اوراق رأی دهی باشیم.

من به نمایندگی از کشورم از سه طرح جامع ملل متحد برای هزارهٔ سوم ...



احمد ضیاء مسعود گفت: هنگامی که در سپتامبر ۲۰۰۰ نشست هزارهٔ سازمان ملل متحد برگزار گردید، افغانستان به علت وضعیت ناگوار قادر نبود تا یک استراتژی ملی را در عرصهٔ اهداف دست یافتن به اهداف رشد هزاره، اتخاذ نماید. با وجود این، افغانستان از آغاز عملیهٔ تطبیق سازش نامهٔ بن تا حال به کمک جامعهٔ جهانی، در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیشرفت هایی چشمگیر و قابل ملاحظه داشته است.

ما در کشور خود دو لویه جرگهٔ بسیار مهم را تدویر نمودیم که یکی آن سبب ایجاد اداره انتقالی و دیگری منتج به تصویب قانون اساسی گشت. این قانون بنیانگذاری یک دولت اسلامی مبتنی بر دموکراسی را تضمین می کند. به همین گونه، انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردید و در کمتر از سه روز انتخابات پارلمالی و شورای های ولایتی نیز تدویر می یابد.

در سراسر کشور بیش از پنج ملیون کودک به شمول دختران به مکاتب شامل شده و نیز تقریباً چهار ملیون مهاجر از کشور های همسایه به وطن خود عودت نموده اند.

با این حال، برخی اثرات جنگ تحمیلی در کشور به حال خود باقی است. فقر، افزایش گروه های آسیب پذیر، بلند بودن مرگ و میر مادران و کودکان، کمبود منابع برای تأمین و گسترده ساختن خدمات اساسی اجتماعی مواردی است که جهان را به کمک های سخاوتمندانه تر فرا می خواند.

وی در بخشی دیگر از سخنانش گفت:

اجرای موفقانهٔ انتخابات پارلمانی بیانگر تطبیق آخرین مرحلهٔ موافقتنامهٔ بن خواهد بود که در دسامبر ۲۰۰۱ عقد گردید. ولی افغانستان برای بازسازی و همچنان تحکیم صلح و امنیت، به حمایت دوامدار و همکاری جامعهٔ بین المللی نیازمند است. در این زمینه ما بر برخی از اصول اساسی که موجب همکاری گسترده تر افغانستان و جامعهٔ بین المللی می گردد حسب ذیل تأکید می کنیم:

- تأمین نقش رهبری کنندهٔ حکومت افغانستان در تمام زمینه های مربوط به روند بازسازی در کشور

- توزیع دقیق و عادلانهٔ منابع در سراسر کشور

- تضمین این امر که همکاری جامعهٔ بین المللی به منظور بازسازی ظرفیت های از دست رفته و یک ادارهٔ پایدار به کار گرفته شود

- ایجاد شفایت و حسابدهی در تمام سطوح

هم اکنون افغانستان در جریان ترتیب نمودن استراتژی ملی توسعه قرار دارد که برنامهٔ دست یافتن به اهداف رشد هزاره را نیز شامل می گردد. به علت اوضاع ناگواری که افغانستان در سال ۲۰۰۰ با آن مواجه بود، ما به جای ۲۰۱۵ پایان به دست آوردن اهداف رشد هزاره را سال ۲۰۲۰ تعیین نموده ایم.

معاون اول ریاست جمهوری گفت:

افغانستان یکی از کشور های کمتر رشد یافتهٔ جهان است. از همین رو ما عمیقاً خواهان تطبیق برنامهٔ سازمان ملل متحد در رابطه به توسعهٔ کشور های کمتر رشد یافته می باشیم که به تاریخ ۲۰ می ۲۰۰۱ در بروکسل به تصویب رسیده است و بر اهمیت آن تأکید می کنیم.

ما همچنان بر حمایت و همکاری دوامدار، مؤثر و هماهنگ بین المللی در رابطه به حصول اهداف رشد هزاره برای کشور هایی که تازه از بحران بیرون شده اند، تاکید می ورزیم.

در این خصوص حکومت ما از طرح هیأت افراد سرشناس برای ایجاد کمیسیون و دفتر استحکام صلح در چهار چوب سازمان ملل متحد به گرمی استقبال می کند و از ان حمایت می دارد.

با درک کامل از مسؤولیت های اساسی شورای امنیت در زمینهٔ استقرار امنیت جهانی، جمهوری اسلامی افغانستان بر ضرورت رفرم شورای امنیت در هر دو بخش یعنی ترکیب اعضا و روش های کار آن تأکید می ورزد.

احمد ضیاء مسعود در سخنانش همچنان به مسألهٔ تروریسم و تهدید آن برای صلح و امنیت جهانی اشاره کرد و گفت:

در حال حاضر تروریسم به عنوان یکی از تهدید های عمده علیه صلح و امنیت جهانی تلقی می شود و مردم افغانستان بیشتر از سایر جوامع در معرض این تهدید جهانی قرار دارند. حکومت جمهوری اسلامی افغانستان پدیدهٔ تروریسم را در همه اشکال و مظاهر آن تقبیح می کند و به تجدید تعهد خویش در رابطه به همکاری با جامعهٔ بین المللی در راستای محو کامل این پدیدهٔ شوم می پردازد.

افغانستان از تمام کوشش ها و اقدامات به منظور نهایی ساختن پیش نویس میثاق جامع در مبارزه بر ضد تروریسم بین المللی در چهار چوب سازمان ملل استقبال و حمایت می کند.

اجازه دهید یک بار دیگر حمایت افغانستان را از سند نهایی که در برابر ما قرار دارد اعلام نمایم. مطمین هستم که این نشست تاریخی رهبران جهان در رسیدگی مؤثر و جامع به چالش های قرن ۲۱ و تأمین سعادت و امنیت و وقار مردم جهان نقشی قابل ملاحظه داشته باشد.

احمد ضیاء مسعود معاون اول ریاست جمهوری اسلامی افغانستان در حاشیهٔ جلسات مجمع عمومی با بسیاری از رهبران کشورها و سازمان های بین المللی دیدار و تبادل نظر کرد و توجه آنان را به مسائل افغانستان و یاری رسانیدن در زمینه های گونه گون خواستار شد.

پرویز مشرف خواهان برقراری روابط با ...

رئیس جمهوری پاکستان در عین حال تأکید کرد که هرگونه پیشرفت بیشتر در روابط اسلام آباد و تل ابیب واستگی به تشکیل دولت فلسطین دارد.

وی افزود: نزدیک شدن دو کشور یک نزدیکی قدم به قدم است و همه درک می کنند که

پیش از تشکیل دولت مستقل فلسطین هرگز روابط دیپلماتیک کامل میان پاکستان و اسرائیل برقرارنخواهد شد

اسرائیل هم اکنون در آنجا (اراضی اشغالی) ماندنی است و حق حیات دارد بنا براین دیگر نمی توان با آن مخالفت کرد. این در حالی است که دیدار وزیر امور خارجهٔ قطر با همتای اسرائیلی اش در حاشیهٔ نشست سران جهان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اعتراض اتحادیهٔ عرب روبه رو شده است.

لازم به یاد آوری است که رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین از تماس های دیپلماتیک اخیر میان اسرائیل و پاکستان استقبال کرده است.

وی گفت : رئیس جمهوری پاکستان پیش از انجام این مذاکرات او را در جریان قرار داده بود.

به گفتهٔ ابومازن، مشرف تأکید کرده است که تا پیش از تشکیل دولت مستقل فلسطین هرگز روابط دیپلماتیک کامل میان پاکستان و اسرائیل برقرارنخواهد شد.

ابومازن گفت: نتوانستم با این مسألهٔ مخالفت کنم و به پرویز مشرف تا زمانی که این تماس ها در خدمت مسألهٔ فلسطین باشد، چراغ سبز نشان دادم.

این درحالی است که جنبش حماس گفته است موافقت ابومازن با مذاکرات تل ابیب و اسلام آباد به مسألهٔ ملی فلسطین زیان می رساند.

سامی ابوزهری سخنگوی حماس تماس های اخیر میان مقامات اسرائیل و پاکستان را یک رفتار خطرناک توصیف کرد و علاوه نمود که این اقدام حکومت پاکستان کشورهای دیگر را به عادی سازی روابط با رژیم اشغالگر اسرائیل تشویق می کند.

همچنان ژنرال حمید گل رئیس سابق سازمان اطلاعات پاکستان ضمن مصاحبه یی از تماس های علنی دولت متبوعش با "رژیم صهیونیستی" و درخواست برای ایجاد روابط دیپلماتیک با اسرائیل هشدار داد.

وی درگفتگویی با مرکز اطلاع رسانی فلسطین دیدار اخیر سیلوان شالوم و خورشید محمود قصوری را ضربه یی مهلک به جهان اسلام و فلسطین و قضیهٔ قدس دانست و آن را لطمه یی به موضع تاریخی دولت پاکستان در برابر این رژیم عنوان کرد.

وی گفت: اسرائیل هرگز رابطهٔ استراتژیک خود را با هند فدای ایجاد روابط با پاکستان نخواهد کرد و پاکستان با ایجاد این رابطه چیزی به دست نخواهد آورد.

وی در ادامه با اشاره به عقب نشینی اسرائیل از نوار غزه گفت: نباید هیچ امتیاز و پاداشی در قبال تخریب خانه های فلسطینیان در غزه و رفح و دیگر مناطق فلسطینی به این رژیم داد.

ژنرال حمید گل همچنین اظهار داشت که رهبران پاکستان حتی پیش از آن که این کشور در سال ۱۹۴۷ میلادی تاسیس شود، با اتخاذ مواضع تاریخی خود بر وجوب مقاومت و مبارزه با دولت یهودی در فلسطین تأکید کرده اند چنانچه در بیانیهٔ محمدعلی جناح بنیانگذار و رهبر وقت پاکستان برای تأسیس این کشور چنین آمده است : " با تأسیس دولت پاکستان هر کودک پاکستانی می بایست برای مقابله با حملهٔ یهودیان بر فلسطین و بیت المقدس به پا خیزد. بناء مسلمانان شبه قارهٔ هند در مخالفت با تأسیس دولت یهودی در فلسطین و بیت المقدس به پا خیزند و به یقین مسلمانان شبه قارهٔ هند هرگز تأسیس دولت یهودی در معراج گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم را نخواهند پذیرفت".

رئیس پیشین سازمان اطلاعات پاکستان افزود: دولت بوش درصدد است تا برنامهٔ پیشنهادی یکی از مراکز تحقیقاتی استراتژیک خود را اجرا کند. در این برنامه آمده است که پاکستان در سال ۲۰۱۲ می بایست از نقشهٔ جغرافیایی حذف و تسلیحات هسته یی آن نابود شود و برای تحقق این امر باید دامنهٔ مشکلات داخلی در پاکستان را گسترش داد و ارتش را علیه ملت پاکستان شوراند. واقعیت مطلب این است که این مسأله دقیقاً همان کاری است که مشرف انجام می دهد.

جنبش حماس گفته است که موافقت ابومازن با مذاکرات تل ابیب و اسلام آباد به مسألهٔ ملی فلسطین زیان می رساند

همچنان وزیر ترانسپورت صوبه سرحد پاکستان کاشف اعظم چشتی، دیدار وزیر خارجهٔ این کشور با وزیرخارجهٔ رژیم صهیونیستی را توهین و ظلم به اهداف و آرمان های مردم فلسطین می داند .

او در مصاحبه با خبرنگاران در پیشاور، دیدار خورشید محمود قصوری وزیر خارجهٔ اسلام آباد باهمتای اسرائیلی اش را تخلف ازاصول اساسی و سیاست خارجی پاکستان خواند. و یاد آور شد که تا حل نشدن مسألهٔ فلسطین نباید اسرائیل را به رسمیت شناخت.

اعظم چشتی همچنان گفت: چرا باید به ناگهان حکومت پاکستان دست دوستی به سمت اسرائیل دراز کند؟ و نباید حکومت پاکستان برای ایجاد زمینهٔ دوستی با اسرائیل عجله کند، چون مردم پاکستان از این اقدام بسیار نگران و ناراحت هستند و حکومت باید در این زمینه به احساسات مردم احترام بگذارد.

اعظم چشتی با تأکید براین که "قدس" قبلهٔ اول مسلمانان جهان تا به حال در تصرف غاصبانهٔ اسرائیل قرار گرفته است گفت: ایجاد روابط دوستانه با اسرائیل برابر با تحریک به ظلم و تعدی رژیم صهیونسیتی برفلسطینی‌های مسلمان است.

گفتنی است که مجلس متحدهٔ عمل در صوبه سرحد پاکستان اقدام مذکور را محکوم کرده و بنا به درخواست قاضی حسین احمد رهبر جماعت اسلامی پاکستان و رئیس این مجلس روز جمعه ۲۳ سپتامبر برابر با اول میزان ۱۳۸۴ در سراسر کشور روز سیاه اعلام شد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

- مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
- مطالب آمده مسترد نمی گردد .
- آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما

حضرت محمد(ص) رهبر ما

قرآن قانون ما

جهاد راه ما

شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال چهارم شمارهٔ ۲۶ چهارشنبه ۶ میزان ۱۳۸۴ ۲۴ شعبان المعظم ۱۴۲۶ – 28 September 2005

گفتند وشنیدیم!

صادق راستگو

پنج رأیی که بیش از پنجاه رأی ارزش دارد!

گفتند در مرکز شمارش آرای کابل شام پنجشنبه شماری از ناظران و کاندیداها بر سر میزی بودند که در آن بیشترین آرا از آن قانونی و بشر دوست و محقق و استاد سیاف شده بود. خانم شکریه بارکزی یکی از کاندیداهای ولسی جرگه هم در آن جا حضور داشت. وی در تبصره به سخنان کسانی که از فزونی آرای متعلق به کاندیداهای نام برده تعجب می کردند، گفت: همه رأی ها را جنگ سالارها گرفته اند! کسی برایش گفت که معنای سخن شما این است که مردم جنگ سالاران را می خواهند. وی پاسخ داد: نه خیر، مردم جنگ سالاران را نمی خواهند، ندیدی که بیش از نیم کسانی که باید رأی می دادند، رأی ندادند؟ آنان در اعتراض به کاندیداهای جنگ سالار حاضر به رأی دادن نشدند.

نفر مقابل گفت: اگر چنین بود، باید همهٔ آنان که از رأی دادن ابا ورزیده بودند می آمدند و به کاندیداهای مخالف جنگ سالاران مانند شما رای می دادند تا از ورود نمایندگان جنگ سالار به پارلمان جلوگیری می کردند. بر خلاف گفتهٔ شما بسیاری از کسان برای این رأی ندادند که رأی آنان در گزینش نمایندگان شان اثر ندارد.

وقتی برای خانم شکریه بارکزی گفته شد زمانی که مخالفان جنگ سالاران رأی نداده باشند این پنج رأیی که شما تا هنوز به دست آورده اید از کجا شده است؟ گفت که پنج رأی من از پنجاه رأی شما بیشتر ارزش دارد! چون به من برای قلمم رأی می دهند!

نفر مقابل گفت: نه خانم شکریه بارکزی شما اشتباه می کنید، به هر ملحوظی که به شما رأی داده باشند در دموکراسی پنج رأی پنج رأی است هرگز به پنجاه رأی دیگران نمی رسد، و این عیب دموکراسی است که میان اهل قلم بودن شما و بی بهره از قلم بودن دیگران تفاوتی قائل نمی شود و نه عیب جنگ سالاران. ناقدان دموکراسی هم وقتی معایب آن را برشمرده اند به همین موضوع نیز اشارت کرده اند که دموکراسی میان آرای اهل مدینهٔ فاضله و آرای اهل مدینهٔ جاهله فرقی نمی گذارد!

پاس داشتن کرامت انسانی در جامعهٔ مدنی!

از روزی که شمارش آراء در حوزهٔ کابل آغاز شده است، اغلب اوقات شماری از کاندیداها و ناظران آنان در صف هایی دراز در مقابل دروازهٔ مرکز شمارش آرا برای داخل شدن به این مرکز ساعت ها انتظار می کشند.

می گویند روز شنبه ۲ میزان، عده یی از کاندیداها مانند آقای کرم خیل رئیس ادارهٔ پیشین وزارت معارف و آقای زیوری استاد دانشگاه پولی تکنیک کابل وآقای کامران رئیس پیشین دفتر وزارت معارف و... از انتظار زیاد به ستوه آمدند و استغاثه کردند که آخر ما مردم عادی نیستیم، کاندیداهای ولسی جرگه هستیم و نمایندگان بالقوهٔ پارلمان آیندهٔ کشور هستیم، به همین گونه بی حرمتی با ما برخورد می شود که در زیر آفتاب در قطار ساعت ها انتظار بکشیم؟! آیا ممکن نیست که صف کاندیداها را از صف ناظران کاندیداها جدا کنید و حق اولویت را به کاندیداها بدهید؟ ص۶

پرویز مشرف خواهان برقراری روابط با اسرائیل شد

محمود الله فیروز





با اشاره به حرکت گام به گام پاکستان برای نزدیک تر شدن به تل ابیب رئیس جمهوری این کشور اظهار داشت که دیگر نمی توان با موجودیت اسرائیل مخالفت کرد.

پرویز مشرف زمانی این اظهار را بیان کرد که روز چهارشنبه به تاریخ ۲۱ سپتمبر برابر با ۳۰ سنبلهٔ سال روان با آریل شارون نخست وزیر اسرائیل طی ضیافتی که به خاطر سران جهان در سازمان ملل برگزار شده بود، دست داد .

همچنان مشرف به تاریخ ۲۲ سپتمبر در کنگرهٔ یهودیان آمریکا درنیویورک اقدام خود در دیدار با شارون را گامی دانست که تاکنون در پاکستان - که هرگونه گفتگوبی با اسرائیل حرام شمرده می شد - سابقه نداشته است.

وی دربارهٔ دیدار اخیر وزرای امور خارجهٔ پاکستان و اسرائیل در استانبول که سرو صدای زیادی ایجاد کرد، گفت : این گفتگوها به این دلیل انجام شد که ما شاهد اقدام متهورانهٔ شارون در خروج از غزه و تخلیهٔ برخی از شهرک ها در کرانه باختری بودیم ، بنابر این اینک زمانی است که ما باید پیشرفت در روابط مان را نشان دهیم. ص۷

نمایشگاه "هفته کتاب" در کابل برگزار شد

نمایشگاه کتاب از سوی بنیاد فرهنگ و جامعهٔ مدنی به نام "هفته کتاب" در شهر کابل گشایش یافته است.

در این نمایشگاه صدها عنوان کتاب از ناشران افغانی و ایرانی در بیست و یک غرفه به نمایش گذاشته شده است.

به گفتهٔ برگزارکنندگان این نمایشگاه، برای نخستین بار ظرف چهار سال گذشته به ناشران افغان و کتاب فروشی های شهر کابل فرصت داده می شود تا در همچو نمایشگاه شرکت کنند.

میر احمد جوینده رئیس بنیاد فرهنگ و جامعهٔ مدنی به این باور است که برگزاری این نمایشگاه، تلاش دیگری به منظور تشویق جوانان به فرهنگ کتاب خوانی است.

او می گوید: قرار بود ناشرانی از کشور های تاجیکستان و پاکستان نیز در نمایشگاه حضور داشته باشند اما به دلیل آنچه او "شرایط بعد از انتخابات" خواند، این ناشران نتوانستند در نمایشگاه اشتراک کنند.



تقلب با قلم ابرو در شمارش آراء در مزار شریف

یک کارمند زن دفتر انتخابات در ولایت بلخ به اتهام نشاني کردن اوراق سفید رأي دهي با قلم ابرویش ، به تاریخ ۵ میزان از کار اخراج شد.

عبدالکریم بلخي مسؤول ارتباطات خارجهٔ کمیسیون انتخابات در شمال به آژانس خبري پژواک گفته است که جمیله غوربندي یکي از سرتیم هاي بخش شمارش آرا که اوراق سفید رأي دهي را با قلم ابرو به نفع یکي از کاندیدا هاخانه پري می کرد، از کار برکنار گردید.

او از اسم کاندیدا نام نبرد.

دو روز قبل مسؤولین دفتر انتخابات در ولایت ننگرهار نیز یک تن از کارمندان خود را که در شمارش آرا تقلب نموده بود برکنار نموده اند.

تعدادي از معلولان و معیوبان طي تظاهراتي خواستار برکناری وزیر شهدا و معلولین شدند

تعدادي از معلولان و معیوبان طي تظاهراتي احتجاجي در مرکز و بعضي ولایات کشور به تاریخ ۴ میزان ، خواهان برکناري وزیر شهدا و معلولین و رؤساي آن وزارت گردیدند.

اتحادیهٔ واحد معلولان ، معیوبان و جنگ زدگان افغانستان، طي نامهٔ مورخ ۲۹ سنبله که عنواني ادارهٔ امور و دارالانشاي شوراي وزیران تحریر یافته ، از راه اندازي این تظاهرات خبر داده بود.

در نامه ، وزیر امور شهدا ومعلولین بي کفایت خوانده شده و ادعا شده است که آن وزارت براي بهبود وضع معلولین و معیوبین برنامهٔ درست کاري ندارد.

در اخیر نامه آمده است : در صورت عدم تحقق اهداف ما به تظاهرات به طور مداوم و قفل نمودن وزارت امور شهدا و معلولین ادامه داده به این عزم خویش راسخ و مصمم مي باشیم .

همچمان تظاهرکنندگان حوالي ساعت ۷ صبح روز گذشته دروازهٔ وزارت شهدا و معلولین را بسته نموده و کارمندان وزارت را اجازهٔ دخول به آن وزارت نمي دادند.

موصوف علاوه کرد: ما برکناري صدیقه بلخي وزیر شهدا و معلولین را بدون قید و شرط مي خواهیم و تا زماني که خواست ما پذیرفته نشود کارمندان وزارت را اجازهٔ داخل شدن به ادارات نمي دهیم. در ولایت کندز نیز به تاریخ ۴ میزان حدود ۲۰۰ معلول و معیوب به منظور درخواست حقوق شان دست به تظاهرات زده و در مقابل ریاست شهدا ومعلولین تجمع نمودند.